

بخش دهم

شایستگی

خوبی

این بخش دارای ۳۸۸ نام میباشد.

آرون - (مانند هامون) : فروزه‌های نیک
و خوب • برجسته و والا •
آفرنگان - نیایش • ستایش •
آفرین - خوشا • بسیار نیکو • زه •
آفرین بانو
آفرین تاج
آفرین دخت
آفرینگلن - نیایشها • ستایشها •
آمیغه - راست و درست • آمیخته •
آور - (مانند باور) : راست و درست •
سد در سد • خداوند • نام ستاره‌ای •
آویژه - ویژه • پاک • ناب • می‌انگوری •
باده ناز • دوست نزدیک •
ارتا - (مانند فردا) : راست و درست
ارتا بانو - بانوی راست کردار •
ارتا دخت - دختر درست کردار •
ارزنده - با ارزش • گرانبها •
ارزه - ارزشمند • درخت سرو •
ارزیده - گرانبها • با ارزش •
اردر - (مانند افسر) : زیبا • شایسته
ارشا - (مانند فردا) : راست و درست •
ارشا آفرید - آفریده راستی و درستی
ارشا آفرین - نگه به " ارشا آفرید " •
ارشا بانو - بانوی راستی و درستی •
ارشا دخت - دختر راستی و درستی •
ارشانوش - راست کردار پاینده •
ارشیه - (مانند مردیه) : راست و درست

ارش نوش - (مانند گرم پوش) : پر
فروغ • راست کردار • جاویدان •
اسپاندا - پاک • شایسته • نیک •
اسپاندا - برجسته • خوب • پاک •
اشا - (مانند مرا) : پاکی • درستی •
اشا آفرید - آفریده پاکی و درستی •
اشا آفرین - نگه به " اشا آفرین " •
اشا بانو - بانوی پاکی و درستی •
اشاتاج - تاج پاکی و درستی •
اشا بوخت - سرشار از پاکی و درستی
اشا دخت - دختر پاکی و راستی •
اشارونی - زن پاک کردار و درست •
اشتاد - (مانند فریاد) : راستی و
درستی و پاکی •
اشو - (مانند مگو) : راستی • پاکی •
والا • ارجدار • بهشتی •
اشو آفرید
اشو آفرین
اشوتاج
اشودخت
اشون - پیرو راستی و پاکی و درستی
اشی - پاک • والا • درست • راست •
افرا - (مانند فردا) : آفرین • زه • نام
درختی زیبا با پوست سخت •
افزونیک - بخشندگی • دهش • خوبی
برجسته - خوب • شایسته • شایان •
بسنده - بس • خوب • پسندیده

برگزیده - برجسته • شایان • سزاوار
 به آفرید - آفریده شایسته و خوب •
 به آفرین - نگد به " به آفرید " •
 بهان - نیکوان • برتران • شایستگان •
 به اندیش - نیکاندیش • والّا • باخرد
 بهاوند - دارنده نیکی و بزرگی •
 به آمد - خوشآمد •
 به بانو - نیکبانو • بانوی شایسته •
 بهدخت - دختر برجسته • شایسته •
 به دختر - نگد به " بهدخت " •
 بهزن - زن نیک و شایسته و کاردان •
 بهستان - جایگاه نیکی و نیکان •
 بهست - نیک - خوب • والّا •
 بهمان - (مانند مهمان) : نیک • خوب
 بهک - خوب و نیک دوست داشتنی
 به ور - (مانند دلبر) : نیکوکار • خوب
 بهی - خوبی • نیکی • شایستگی •
 بهی بانو - بانوی برجسته و نیک •
 بهی دخت - دختر نیکی و شایستگی
 بهی داد - آفریده خوبی و شایستگی
 بهی زاد - نگد به " بهی داد " •
 بهین - بهترین • برگزیده •
 بهین بانو - برترین بانو • برگزیده
 ترین بانوان • بانوی برجسته •
 بهین دخت - دختر برجسته و خوب
 بهینه - (مانند نگینه) : بهترین •
 شایسته ترین • برگزیده •
 بی بی - زن والّا و نیکو و برجسته •

بیتا - بیمانند • بیهمتّا • یگانه • تک
 بیتاتاج - بیهمتای برجسته •
 بیتا داد - آفریده بیهمتا •
 بیتا دخت - دختر بیهمتا • یگانه •
 بیتا زاد - آفریده یکتا • بیمانند •
 بیژه - ناب • خوب • سره •
 بیمانا - بیهمتا • یگانه • تک • بیمانند
 بیمانند - بیهمتا • تک • برجسته •
 بیهمتا - بیمانند • یگانه • تک •
 پاز - سره • ناب • نازک • خوب •
 پاک
 پاک آفرید
 پاک آفرین
 پاک بانو
 پاک تاج
 پاک داد
 پاک دخت
 پاک دیس
 پاک شیر
 پاک گوهر
 پاک گهر
 پاکیزه
 پرارین - (مانند رواد ید) : خوب •
 شایسته • نیکو • برجسته •
 پسند - پذیرفته شده • خوب •
 پسندا - به دل نشسته • خوب •
 پسنده - پسندیده • خوب • دلچسب

تاز - دلداده • دلباخته • تازنده • دلبر
 تاژ - خوب • نازک • زیبا • پسندیده •
 تاشک - (مانند آهک) : چابک • چالاک
 تپیان - (مانند دلپاز) : آشکار • راستی
 تکدانه - بیهمتا • یکدانه • یگانه •

جوان
 جوان آفرید
 جوان آفرین
 جوان بانو
 جوان تاج
 جوان داد
 جوان دخت
 جوان زاد
 جوان زن

خجسته - فرخنده • خوب • همایون •
 خجسته آفرید
 خجسته آفرین
 خجسته بانو
 خجسته تاج
 خجسته داد
 خجسته دخت
 خجسته بخت
 خجسته فر
 خوب
 خوبان
 خوبان دخت

دادآرا
 دادراست
 دادآفرید
 دادآفرین
 دادبانو
 دادبخت
 داد دخت
 دادک
 دادهوش
 داریا - دارنده • توانگر • برجسته •
 دامو - بزرگوار • بخشایشگر •
 داور دخت - دختر نیک رای • خوب
 دخ - (مانند نخ) : خوب • نیکو • سره
 و شایسته •
 درهشته - (مانند سررشته) : بخشش
 و دهش • بزرگواری •
 دزندیس - (مانند فرنگیس) : گویا •
 دیش - (مانند ریش) : داد و دهش •
 دینا - داوری • داور • بینش والّا •
 رادنوش - باگذشت • رادمند •
 راستار - راست کردار • درست •
 راستک
 راستی
 راستین
 راستین بانو
 راستین دخت
 راستینه

کوشان دخت
 کنیا - دختر خوب • دو شیزه •
 کنیز - زن جوان • فرزانه • پرستار •
 زن دوست داشتنی • همدم •
گزیده - برجسته • شایسته • خوب •
گزیده آفرید
گزیده آفرین
گزیده تاج
گزیده بانو
گزیده بخت
گزیده دخت
گزین
گزین بانو
گزین دخت
گزینه
گنج
گنج آفرید
گنج آفرین
گنج بانو
گنج بخت
گنج دخت
گنج دانه
گنجینه
گوارا
گویا
گیرا

شایان فر
شایسته
شهند - (مانند سمنند) : نیکی و خوبی
فرايسته - والا • خوب • پسندیده •
فره - خوب • شایسته • فراوان • بسیار
فره بخش - پخش کننده خوبی و نیکی
فرهوش - والا • با هوش • هوشمند •
فریانك - آفرین • باشکوه • خوب •
فریانه - آفرین • شکوهمند • بافر •
فری - آفرین • خوشا • دوست •
فریده - خود رای • خودپسند •
فریش - (مانند نویس) : آفرین • نیک
 و بسیار خوب •
کارنگ - (مانند پاسنگ) : خوش زبان •
رسا • خوشگو • خوش سخن •
کتایون - بی آرایش • پاک • خوب •
کتون - (مانند مجوی) : کوچک شده
 "کتایون" در همان چم •
کتی - (مانند همی) : نگه به کتایون
کردمند - (مانند دردمند) : چالاک
 و تند و تیز • شتابنده •
کوشان - پر تلاش • کوشنده •
کوشان آفرید
کوشان آفرین
کوشان بانو
کوشان تاج

ژاو - خوب • ناب • سره • نیک •
ژوان - (مانند روان) : جوان •
ژولیک - زرنگه • چابک به گیلانی •
سارا - ناب • سره • خوب • والا •
سارا آفرید
سارا آفرین
سارا بانو
سارا دخت
ساوز - خوشخو • نیکخو •
سپاس - درود • ستایش •
سپاسه - نگه به "سپاس" •
سپندان - خوب • پاک • اشویی •
ستا - (مانند بجا) : ستایش • ستودن
ستایش - نیایش • ارجمنداری • پرستش
ستوده - پسندیده • ستایش آمیز • خوب
ستوده بانو - بانوی شایسته و نیک •
ستوده دخت - دختر برجسته و نیک •
سره - ناب • خوب • پاک •
سزاوار - شایسته • خوب • درخور •
سوشیانت - (مانند رو بداشت) :
سودبخش • نیک • والا •
شایا - نیک • برجسته • شایسته • خوب
شایان - نگه به "شایا" •
شایان بانو
شایان تاج
شایان دخت

رام - نرم • آرام • خوب • شاد •
رام آفرید
رام آفرین
رام بانو
رام بخت
رام داد
رام دخت
رامفر
راما - آرام • نرم • شاد و خرم •
راما بانو
راما دخت
رام افزا
رام افزون
رامك
رامی - نیک • بایسته • خوب • آرام •
رامی دخت - دختر شاد و آرام •
رامینه - آرام • خوب • شاد و خرم •
رامین بانو - بانوی شاد و آرام
رامین دخت - دختر نیک و خوب •
شاد و آرام •
رستاد - (مانند فرمان) : درستکار •
ریواز - دادگری • درستکاری •
زرواس - (مانند کرباس) : دهشش •
بخشش • بزرگواری • گذشت • نیکی •
زریو - (مانند غریو) : آرام • برجسته
 و خود دار از آلودگی •
زریوه - نگه به "زریو" •

لیمان - درست • برجسته • خوب •
لیمان بانو
لیمان دخت
لیمان زاد
لیمان فر

مام
مامک
مامی
مشک ناب

ناب - خوب • برجسته • سره • بیهمتا
نایبری - زن نکوکار و یزدان پرست
نژاده - با تبار • پاک • سره •
نکو
نکوآفرید
نکوآفرین
نکو بانو
نکو بخت
نکو تاج
نکو داد
نکو دخت
نکو زاد
نکوفر
نواز - مهربانی • نوازش • نوازش •
نوازا - نوازش • دلجویی •
نوازش - مهرجویی • مهرورزی •
نوازه - مهربانی • نوازش •

نوباوه - نوآمده • نوبر • خوشآیند •
 پسندیده • ره آورد •
نوراه - نگد به " نوباوه " •
نورد - (مانند نبرد) : درخور • شایا
 و شایسته • پسند شده •
نورهان - (مانند نوزمان) : پیشکش
 و پیشیاره • ره آورد •
نیایش
نیک
نیکآفرید
نیک آفرین
نیک بانو
نیک بخت
نیک تاج
نیک داد
نیک دخت
نیک روز
نیک زاد
نیکفر
نیکمان - شایسته • برجسته • خوب •
نیک گوهر - والاتبار • نیکنژاد •
نیک گهر
نیک نژاد
نیکو
نیکوآفرید
نیکوآفرین
نیکو بخت
نیکویانو

نیکوتاج
نیکوداد
نیکو دخت
نیکو زاد
نیکوفر

وارسته - آزاده • آزاد از وابستگی •
وردک - (مانند زردک) : آنچه را که
 اروس به خانه داماد برد •
ورساز - (مانند شهباز) : آراسته •
ورسازیه - نگد به " ورساز " •
وشناد - (مانند برباد) : فراوان • پر
 و مالامال • انبوه • سرشار •
وشکرده - (مانند پرورده) : کاربر •
 شایسته • چابک • زیرک • کاردان •
وه آفرید - آفریده نیک •
وه آمد - خوش آمدن •
وه بانو - بانوی نیک و والا •
وه دخت - دختر نیک و شایسته •
وه خوی - نیک منش • نیک خوی •
وه داد - (مانند شهادت) : داده نیکی
 و آفریده خوبی و شایستگی •
وه زاد - (مانند شهادت) : نیک زاد •
ویرا - یادگیر • آموزنده • فراگر •
ویژ - بیهمتا • چست • چالاک •

هخا - دوست • مهربان • نیکوکار •
هستو - (مانند پستو) : راستی و پیاکی

ودرستی • واگویی نهفته • پذیرفته •
همتان - همانند • همتا •
همتك - (مانند همسر) : دوست •
 همراه • یار • همدل •
همدم - دوست • همراه • پیاله می •
همراه - هم اندیش • همآوا • همدل •
همراز - یار • دوست • هم اندیش •
همسو - هم زمان • همراه • هماهنگ •
هنجار - راه • روش • پسندیده •
هنگ - (مانند سنگ) : سنگینی • توان
 هشیاری • خواسته • آهنگ •
هوآفرید - نیک آفریده • خوب •
هوآفرین - نگد به " هوآفرید " •
هوایانو - بانوی خوب و شایسته •
هو بخت - بخت بلند • خوشبخت •
هویر - (مانند هومن) : دارنده نیکی
 ها و خوبیها •
هودخت - دختر خوب و برجسته •
هوخت - (مانند سوخت) : گفتار
 نیک • سخن شایسته و خوب •
هوتك - (مانند كودك) : بیهمتا •
 تك • یگانه • بیمانند •
هوداد - آفریده خوب و نیک •
هوزاد - نگد به " هوداد " •
هوده - راست و درست • شایسته •
 نیکی • آراستگی •
هودی - نیک • برجسته •
هورا - نیک اندیش •

هورشت - (مانند موبند) : کردار نيك
 هوزا - نيك آفریده • نيك زا •
 هوزاد - زاده خوب • بانژاد • والدا •
 هوسروب - (مانند خوبروى) : بلند
 آوازگى • نيكنامى • خوشنامى •
 هوش
 هوش بانو
 هوش دخت
 هوشه - (مانند گوشه) : آگاه • باخرد
 وزيرك • جان و دل •
 هوفرات - (مانند او نهاد) : خوشخو
 و مهربان • خوش برخورد و مهرورز •
 هومت - پندار نيك • اندیشه نيك
 هونهاد - پاك سرشت • نيك نهاد •
 هيوند - (مانند بيدرد) : شايستگى
 و پاكدامنى • پرهيزگارى و پارسايى •
 يكتا - بيمانند • بى همتا • تك •
 يكدانه - بى همآورد • تك • يگانه
 يكدش - (مانند ورزش) : دلبر •
 دلدار • يار •
 يكدل - هم انديش • همراه • همدل •
 يكدله - نگه به " يكدل " •
 يگانه - بيهمتا • يكدانه • تكدانه •
 يگان - بيهمتا • بيمانند • خوب
 يكسونه - يكسان • برابر • جاويد
 يويه - (مانند هومن) : آرمان نيك
 و آرزوى والدا • راه و روش خوب •

يابنده - به دست آورنده • بهره مند
 ياد - نيروى اندیشه • بيدارى •
 يادگار - يادمان • پيشياره • نيك ماند
 يادمان - نگه به " يادگار " •
 يادمند - با هوش • زيرك •
 ياد نيك - با زمان خوب • مانده نيك •
 ياده - نيروى اندیشه •
 يار - دوست • همراه • دلبر • ياور •
 يارس - پشتيبان • همراه • ياور •
 يار قر - فروغ يارى • دوست نيك
 يار فروغ - دوست ارزشمند • ياور نيك
 يارك - دوست مهربان و مهرورز •
 يارگوهر - گران ارج • ارزشمند •
 يارگهر - نگه به " يارگوهر " •
 يارمند - پشتيبان • يارى بخش •
 يار نيك - دوست ارزشمند و خوب •
 يار هور - خورشيد دوستى و نيكي •
 يارى - ياورى • پشتيبانى •
 ياسه - (مانند دانه) : آرزو و آرمان و
 راه و روش نيك و بايسته •
 ياور - دوست • همراه • يارى بخش •
 ياور بانو - بانوى نيك و يارى بخش •
 ياور دخت - دختر همدل و همراه و يار
 يكرنگ - يك رو • يكدل • پاك و خوب •
 يكرو - يكدل • همدل • پاك •
 يكره - همراه • همدل نيك •
 يكسانه - يكرو • برابر • بى آلايش •